

بررسی و ریشه‌یابی تثویب در متون فقهی مذاهب اسلامی

□ محبوبه کشفی آشتیانی *

چکیده

اذان به عنوان بزرگترین شعار دین مبین اسلام، آخرین شریعت الهی است و از اهمیت خاصی در میان امت اسلامی برخوردار است. برخی جملات اذان در میان مذاهب اسلامی دارای اختلاف و تفاوت است که یکی از آن اندک اختلافات جمله الصلاة خیر من النوم است که به تثویب معروف می‌باشد. این پژوهش به بازخوانی نظرات فقهی مذاهب اسلامی در خصوص تثویب پرداخته و دراستای رسیدن به پاسخ این پرسش که تثویب از چه پشتوانه فقهی و سنتی برخوردار است، سامان یافته و به این نتیجه رسیده که تثویب از جملات اذان در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی دوران خلیفه اول و بخشی از دوران خلیفه دوم نمی‌باشد و بعدها به جملات اذان اضافه و جایگزین جملات اصلی اذان شده و این مهم مورد اتفاق اکثریت فقه‌های مذاهب اسلامی است و فاقد پشتوانه لازم در سیره نبوی صلی الله علیه و آله می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اذان، تثویب، الصلاة خیر من النوم، فقه مقارن، اصحاب، حی علی خیر العمل، نماز.

مقدمه

تمامی احکام عبادی، معمولاتی و ... امت اسلامی، مستند به تحقیقات فقهی مفصل است و اذان به عنوان یکی از افعال عبادی امت اسلامی که در موارد مختلف یک مسلمان مفتخر به انجام است، دارای احکام خاصی می‌باشد.

اذان در شریعت اسلام دارای جملات مخصوص و احکام خاصی است که در مواردی مانند اعلام وقت نماز به عنوان مقدمه نماز از سوی شارع مقدس تشریع گردیده است (نجفی، ج ۹، ص ۲۳) از نظر امامیه و برخی از اهل سنت جملات اذان به صورت وحی و توسط جناب جبرائیل علیه السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عرضه شده است (کلینی، ج ۱، ص ۳۰۲ - الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۶۹۲)

از امام حسین علیه السلام در مورد اذان سوال نمودند که آیا سبب آن رویای عبدالله بن زید بود؟! فرمود: اذان به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده است اما شما گمان می‌کنید که پیامبر صلی الله علیه و آله اذان را از عبدالله بن زید یاد گرفته است (طبق خوابی که عبدالله می‌بیند) در حالی که اذان صورت دین شماست و حضرت ناراحت شدند. در حالی که از پدرم علی بن ابی طالب شنیدم که فرمودند: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت، خداوند فرشته‌ای (که قبل و بعد از آن دیده نشد) را فرستاد و اذان و اقامه گفت. سپس جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت که اذان نماز اینگونه است (نوری، ج ۴، ص ۱۷) با این حال برخی جملات اذان در میان امت اسلامی متفاوت بوده و یکی از آن موارد اختلافی تثویب است که معرکه آرای فقهی و تاریخی و کلامی است.

این پژوهش با بررسی معنا، پیشینه و حکم تثویب در مذاهب فقهی اسلامی سامان یافته و در صدد است تا با تبیین آرای فقهای مذاهب اسلامی حکم تثویب را در فقه مقارن مورد بررسی قرار دهد و فرآیند این پژوهش صرف نظر از تبیین حکم تثویب، بیانگر اختلافات حداقلی میان فقه مذاهب اسلامی در خصوص احکام نیز خواهد بود

تثویب

«تثویب» مصدر باب تفعیل از ریشه «ث - و - ب» به معنای بازگشت است و در اصطلاح، یعنی گفتن این جمله در اذان نماز صبح و عشا: «الصلاة خير من النوم»؛ «نماز از خواب بهتر

است». (فراهیدی، ج ۸، ص ۲۴۶- ابن منظور، ج ۱، ص ۲۴۴) در تناسب و علقه معنای لغوی و اصطلاحی، کلمه تثویب، چنین گفته شده است: مؤذن پس از فراخواندن به نماز با عبارت‌های «حیّ علی الصلاة» و «حیّ علی الفلاح» دیگر بار با گفتن «الصلاة خیر من النوم» به همان فراخوان باز می‌گردد و مسلمانان را به نماز دعوت می‌کند. (زبیدی، ج ۱، ص ۳۴۲) البته بعضی از صاحب نظران تثویب را به معنای مطلق، «فراخواندن دیگر بار» دانسته و عبارت «الصلاة رَحِمَكُمُ اللهُ الصلاة» میان اذان و اقامه و نیز معنای پیش‌گفته را از مصداق‌های آن برشمرده‌اند و به نماز مستحب پس از واجب، نیز تثویب گفته‌اند. در برخی روایات، این واژه برای برپا کردن نماز نیز به کار رفته است (ابن منظور، ج ۱، ص ۲۴۷)

تثویب در متون فقهی به معنای الصلاة خیر من النوم است «نماز بهتر از خواب است»، جمله‌ای است که اهل سنت آن را دو مرتبه در اذان نماز صبح، پس از «حیّ علی الفلاح»، به کار می‌برند (الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲، ص ۳۶۰ و ج ۱۱، ص ۱۷۶؛ سرخسی، المبسوط، ج ۱، ص ۱۳۰) تثویب در میان اهل لغت به معنای دعوت دوباره برای نماز است؛ بدین بیان که وقتی مؤذن با گفتن «حی علی الصلاة؛ بشتابید به سوی نماز»، مردم را به سوی نماز فرا می‌خواند، پس از تکرار یک فراز دیگر با گفتن «الصلاة خیر من النوم»، دوباره به فراخواندن برای نماز بازگشت می‌کند (زبیدی، ج ۱، ص ۳۴۲)

برخی گفتن جمله «الصلاة، رَحِمَكُمُ اللهُ، الصلاة» بین اذان و اقامه را که به نوعی دعوت دوباره برای نماز است، از مصادیق تثویب برشمرده‌اند (ابن منظور، ج ۱، ص ۲۴۴) همچنین گفته می‌شود که برخی عالمان حنفی کوفه، گفتن دو مرتبه «حیّ علی الصلاة» و «حیّ علی الفلاح» بین اذان و اقامه نماز صبح را نوعی دیگر از تثویب دانسته‌اند (الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲، ص ۳۶۱)

از این عنوان در کتاب‌های فقهی در باب نماز بحث شده (ابن رشد، ج ۱، ص ۸۹؛ بحرانی، ج ۷، ص ۴۱۸)

پیشینه تثویب

در این که «الصلاة خیر من النوم» چه زمانی و توسط چه کسی به اذان صبح اضافه گردید، اختلاف نظر است:

در اضافه شدن این جمله به اذان در زمان حیات پیامبر ﷺ، نقل‌های مختلف و متعارضی در منابع روایی اهل سنت نقل شده است. در برخی از این روایات نقل شده که روزی بلال نزد پیامبر ﷺ آمد تا وی را برای نماز صبح خبر کند و دید که پیامبر ﷺ خواب است، سپس بانگ برآورد: «الصلاة خير من النوم» و پس از آن گفتن این جمله در اذان صبح از سوی پیامبر ﷺ نیز تأیید و پذیرفته شد (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۷؛ دارمی، ج ۲، ص ۷۶۲) در برخی روایات نیز آمده است که پیامبر ﷺ آن را به ابومحذوره تعلیم داده است (بیهقی، ج ۱، ص ۶۲۲) برخی عالمان اهل سنت نیز تصریح کرده‌اند بر این که جمله «الصلاة خير من النوم»، از سوی پیامبر ﷺ به اذان وارد نشده و پس از حیات وی بدعت نهاده شد (خوارزمی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ ابن حزم، ج ۲، ص ۱۹۴؛ عبدالرزاق، ج ۱، ص ۴۷۴)

به گفته سیدعلی شهرستانی در کتابش با عنوان «الصلاة خير من النوم فی الاذان»، عالمان سه فرقه عمده شیعه، یعنی امامیه، اسماعیلیه و زیدیه، تأکید دارند بر اینکه «الصلاة خير من النوم» در زمان خلافت عمر بن خطاب و توسط وی به اذان اضافه شد. (شهرستانی (ب)، الصلاة خير من النوم، ص ۱۵۰)

مالک بن انس نیز در الموطأ روایتی آورده که بر اساس آن، مؤذن نزد عمر بن خطاب رفت تا او را برای نماز صبح خبر دهد و دید که عمر خواب است و مؤذن گفت: «الصلاة خير من النوم»، پس از آن عمر دستور داد تا این جمله را در اذان صبح بیاورند (مالک، ج ۱، ص ۷۲) همچنین برخی گفته‌اند که نخستین بار عمر بن خطاب بود که دستور داد تا جمله حی علی خیر العمل از اذان حذف و به جای آن «الصلاة خير من النوم» گفته شود (یحیی بن حسین، ج ۱، ص ۸۴) به نقلی دیگر این جمله نخستین بار از سوی سعد بن عائد، مؤذن مسجد قبا، در دوره خلافت عمر بن خطاب بدعت گذاشته شد (عبدالرزاق، ج ۱، ص ۴۷۴) البته در روایتی نیز از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است که جمله «الصلاة خير من النوم»، در زمان بنی امیه به اذان افزوده شده است (نوری، ج ۴، ص ۴۴)

این مسئله پس از طرح در کتب تاریخی و روایی، در منابع فقه استدلالی هر دو گروه، از گذشته‌های دور تا امروز مورد بحث بوده است. در برخی گزارش‌های تاریخی اهل سنت آمده

که از آغاز تشریع اذان در روزگار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این جمله جزء اذان به شمار می‌رفته است. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۳) این گزارش‌ها مضامین متفاوت دارند. در پاره‌ای از آن‌ها، ریشه پیدایش اذان به خواب یک مرد از انصار بازگردانده شده است. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۳) اما در فقه اسلام، خواب افراد عادی نمی‌تواند منشا حکم باشد. (زحیلی، ج ۱، ص ۶۰۷) در گزارش‌های دیگر از پیدایش و تشریع اذان که اجزای اذان را برشمرده‌اند، به این جمله اشاره‌ای نشده است. (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۳) شافعی به پشتوانه همین دلیل، این افزوده را مکروه دانسته است. (شافعی، ج ۱، ص ۱۰۴) در گزارش‌های دیگر تصریح شده که این جمله با صلاح دید عمر بن خطاب و هنگام خلافت او به اذان افزوده شد (مالک، ج ۱، ص ۷۲ - متقی هندی، ج ۸، ص ۳۵۷) البته این نوع ورود و اقدام از سوی بسیاری به عنوان نوعی اجتهاد در برابر نص به شمار می‌رود (موسوی، ج ۱، ص ۲۱۸)

موضوع تثویب نه فقط در متون فقهی بلکه در مباحث کلامی بین شیعه و سنی نیز راه یافته است (علامه حلی، ص ۳۵۱) جعفر سبحانی، روایاتی که چگونگی اضافه شدن «الصلوة خیر من النوم» به اذان را در منابع اهل سنت گزارش کرده‌اند، با هم متعارض‌اند و نمی‌توان به آن‌ها تکیه کرد؛ چرا که در آن، امر دایر است بین استحباب و بدعت که حرام است و لذا باید گفتن این جمله در اذان ترک شود، چون اگر مستحب باشد، بر ترک آن عقابی نیست، اما اگر بدعت باشد گفتن آن عقاب دارد. (سبحانی، ص ۳۸۵)

تثویب در آرای فقهی اهل سنت

بنا به دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت، گفتن «الصلوة خیر من النوم»، پس از «حی علی الفلاح»، در اذان صبح، مستحب است. (ابن رشد، ج ۱، ص ۸۹) و نزد برخی دیگر از آنان در اذان عشا نیز جایز است. همچنین گزارش شده است: محمد بن ادريس شافعی در یک جا به استحباب آن قائل بوده و در جایی دیگر آن را مکروه دانسته است (شافعی، ج ۱، ص ۱۰۴) برخی از فقهای حنفی گفتن آن پس از اتمام اذان صبح را نیز جایز دانسته‌اند (الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲، ص ۳۶۰) بنا به دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت، تثویب یا گفتن «الصلوة خیر من النوم» فقط به اذان صبح اختصاص دارد (سرخسی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ شوکانی، ج ۲، ص ۴۶؛ شربینی، ج ۱، ص ۱۳۶)

با توجه و ملاحظه متون حدیثی و فقهی اهل سنت معلوم می‌گردد: گفتن «الصلاة خیر من النوم» در اذان، در طول تاریخ، به نوعی، شعار و نماد اهل سنت دانسته شده است؛ به طوری که در حکومت‌هایی که حاکمان سنی حکمرانی می‌کرده‌اند، دستور داده می‌شد تا این جمله در اذان گفته شود (شهرستانی، (الف)، ص ۳۴۳) برای نمونه در کتاب سیره حلبی نقل شده است که در دوران حکومت آل بویه در بغداد، در اذان‌ها جمله حی علی خیر العمل گفته می‌شد تا اینکه با روی کار آمدن سلجوقیان، در سال ۴۴۸ ق، گفتن این جمله در اذان ممنوع اعلام گردید و دستور داده شد به جای آن جمله «الصلاة خیر من النوم» در اذان گفته شود (حلبی، ج ۲، ص ۱۳۶)

تثویب در آرای فقهی امامیه

فقه‌های امامیه اجماع دارند بر اینکه گفتن «الصلاة خیر من النوم» در اذان جایز نیست و گفتن آن به قصد تشریع، بدعت و حرام است (شیخ طوسی (ج)، ج ۱، ص ۲۸۷؛ نجفی، ج ۹، ص ۱۱۳) آن‌ها بر این باورند که هیچ دلیل شرعی برای اثبات مشروعیت گفتن این جمله وجود ندارد. (سید مرتضی، ص ۱۸۴؛ شیخ طوسی (ج)، ج ۱، ص ۲۸۷) بنابراین طبق نظر فقهای شیعه، تثویب به قصد مطلوبیت شرعی و مشروعیت، بدعت و حرام است؛ اما بدون قصد مطلوبیت آیا مکروه است یا حرام و یا مباح، اختلاف است.

در منابع روایی شیعه نیز چند روایت در تایید این کار آمده است (طوسی، ب، ج ۲، ص ۶۲- طوسی، ج، ج ۱، ص ۳۰۸) اما همه دانشمندان شیعه از این روایات روی گردانده و آن‌ها را جعلی یا اقتضای تقیه دانسته‌اند (طوسی، ب، ج ۲، ص ۶۳- نجفی، ج ۹، ص ۱۱۴) زیرا در برخی روایات دیگر، این کار به صراحت رد شده است (کلینی، ج ۳، ص ۳۰۳) و در روایاتی که جملات اذان را برشمرده‌اند، ذکری از آن به میان نیامده است (طوسی، الف، ج ۲، ص ۵۹- طوسی، ج، ج ۱، ص ۳۰۵) ضمن این که اجماع دانشمندان شیعه که یکی از معیارهای نقد محتوایی روایات به شمار می‌آید، با این چند روایت ناسازگار است (نجفی، ج ۹، ص ۱۱۳)

به سخن دیگر روایاتی که در برخی منابع روایی امامیه نقل شده است و از آن‌ها جواز تثویب در اذان برداشت می‌شود (حر عاملی، ج ۵، ص ۴۲۷) این روایات شاذ خوانده شده‌اند

(شهید ثانی، ج ۱، ص ۱۹۰) و با دسته‌ای دیگر از روایات که جواز تثویب در اذان را به صراحت رد کرده‌اند (حر عاملی، ج ۵، ص ۴۲۶) تعارض دارند؛ لذا فقیهان از آن‌ها اعراض کرده و بر موارد تقیه حمل کرده‌اند (شهید ثانی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ نجفی، ج ۹، ص ۱۱۶).

گفته می‌شود نزد فقهای امامیه اختلافی در این نیست که اگر تثویب یا گفتن «الصلاة خیر من النوم» به قصد تنبیه و یادآوری وقت نماز یا از روی تقیه باشد، جایز است (بحرانی، ج ۷، ص ۴۲۱) اما اگر نه به قصد تشریع و تنبیه و نه از روی تقیه گفته شود، در جواز یا عدم آن اختلاف نظر وجود دارد (الموسوعة الفقهية، ج ۸، ص ۱۱۱) فقیهانی همچون فاضل هندی (فاضل هندی، ج ۳، ص ۳۸۵) و فیض کاشانی (فیض کاشانی، ج ۱، ص ۱۱۸) به کراهت قائل شده‌اند و فقیهانی همچون صاحب‌جواهر (نجفی، ج ۹، ص ۱۱۶) و کاشف‌الغطاء، تثویب یا گفتن «الصلاة خیر من النوم» در اذان را از اساس، بدعت‌آمیز و دارای حرمت ذاتی دانسته و معتقد هستند چیزی آن را جایز نمی‌کند (کاشف‌الغطاء، ج ۳، ص ۱۴۶).

نتیجه

با توجه به مطالب پیش گفته و تأمل در متون روایی و فقهی معلوم می‌گردد آن چه میان اکثریت فقهای اسلامی مشترک می‌باشد این است که: تثویب در جملات شارع مقدس نبوده و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی در دوران خلافت ابوبکر و بخشی از دوران خلافت عمر بن خطاب در اذان اسلامی وجود نداشته و بعداً توسط اشخاص به اذان اضافه و جایگزین جملات اصلی اذان گردیده است و لذا پشتوانه‌ای در سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و حتی بسیاری از اصحاب آن حضرت ندارد و اختلاف فتوا در جواز آن حتی در میان فقهای مذاهب اهل سنت وجود دارد.

قرآن کریم.

- ابن منظور، مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۱۳ق
- ابن حزم، علی، المحلی، دار الفکر، بیروت، بی تا
- ابن رشد، ابوالولید محمد، بدایة المجتهد، دارالحديث، قاهره، ۱۴۲۵ق
- ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، دار إحياء الكتب العربية، بیروت، بی تا
- بحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة، مؤسسة النشر الاسلامی، ایرانف بی تا
- بیهقی، احمد السنن الکبری، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق
- حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت ع، ایران، ۱۴۱۶ق
- حلبی، السیره الحلبیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا
- حلی، یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، دار الكتاب اللبنانی، بیروت، ۱۹۸۲م
- خوارزمی، محمد، جامع المسانید، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق
- دارمی، عبدالله، سنن دارمی، دارالمغنی، عربستان، ۱۴۱۲ق
- زبیدی، مرتضی، تاج العروس، دارالفکر، بیروت، بی تا
- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، دمشق، ۱۴۱۸ق
- سبحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، مشعر، ایران، ۱۳۸۶ش
- سرخسی، محمد، المبسوط، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۴ق
- سید مرتضی، مسائل الناصریات، بی نا، بی جا، ۱۴۱۷ق
- شربینی، شمس الدین، مغنی المحتاج، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ق
- شوکانی، محمد بنم علی، نیل الاوطار، دارالحديث، قاهرهف ۱۴۱۳ق، ۱۴۱۳ق
- شهرستانی، سید علی، الف، الأذان بین الأصالة والتحریف، بی جا، بی نا، ۱۴۲۶ق،
- _____، الصلاة خير من النوم، منشورات الرافد، بغداد، ۱۴۳۳ق
- شهید ثانی، زین الدین، مسالک الافهام، موسسه المعارف الاسلامی، ایران، ۱۴۱۳ق
- طوسی، محمد، الف، الخلاف، مؤسسة النشر الإسلامی، ایران، بی تا
- _____، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، ایران، ۱۳۶۵ش

- _____، استبصار، دارالکتب الاسلامیه، ایران، ۱۳۶۳ش
- عبدالرزاق، ابوبکر، المصنف، المجلس العلمی، هند، ۱۴۰۳ق
- فاضل هندی، محمد، كشف اللثام، مؤسسة النشر الاسلامی، ایران، بی تا
- فراهیدی خلیل، عبدالرحمن بن احمد، کتاب العین، دارالهجره، ایران، ۱۴۰۹ق
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مفاتیح الشرایع، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۱ق
- کاشف الغطاء، جعفر، كشف الغطاء، دفتر تبلیغات اسلامی، ایران، ۱۴۲۲ق
- کلینی، محمد، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ایران، ۱۳۷۵ش
- مالک بن انس، الموطأ، داراحیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ق
- متقی هندی، علی، کنز العمال، الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ق
- الموسوعة الفقهية الكويتية، هجمعی از نویسندگان، دارالسلاسل، کویت، ۱۴۰۴ق
- الموسوعة الفقهية، دائره المعارف الفقه الاسلامی، قم، ۱۴۲۳ق
- موسوی، عبدالحسین (شرف الدین)، النص والاجتهاد، بی جا، بی نا، بی تا
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲ش
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا.
- یحیی بن حسین، الأحكام (فقه المذهب الزیدی)، ۱۴۱۰بی جا، بی نا، ۱۴۱۰ق.

